

جوانان آگاه؛ چشم امید ملت بشما دوخته شده است!

این مختصر را با ذکر ۳ نکته خواستم با آینده سازان کشور؛ شریک سازم تا راه طی شده اشتباه را، شما سروران عزیز تکرار نکنید.

۱: - آنچه عده ای از رهبران چپ و راست، برخورد غیرمسئولانه، خیال پردازانه، عقده مندان، خودخواهانه، تنگ نظران، بیگانه پرستان، آرمانگرایانه و شعار پردازانه انجام دادند؛ شما آگاهانه پرهیز کنید.

۲: - به آنچه عده ای از رهبران چپ و راست بنام طرح، برنامه یا هدف تعیین نمودند و هرگز به آن اصول وضع شده خود، باور نداشتند، عمل نکردند و هیچ یک از دنباله روان، مانع انحراف شان نشدند؛ شما متوجه باشید.

۳: - آنده از رهبران چپ و راست؛ که شخصیت های مبارز و نامدار کشور های بیگانه را با ایدیالوژی های شان منحبث پیشوا و رهبر خود انتخاب و طرح های شان را نسخه نجات کشور ما می دانستند، عملکرد و تجارب کشور های بیگانه را بدون رعایت اوضاع و احوال و سطح رشد کشور ما قابل تطبیق دانسته حتی با تقلید ریش، بروت، کلاه بیک دار، لباس، دستمال گردن و . . . قیافه، رفتار و گفتار را تقلید می نمودند. ولی هرگز به اعمال وطن دوستانه آنها توجه نداشتند. اما آموختن از تجارب کشور ها و درس عبرت گرفتن از تاریخ؛ حتمی می باشد. تحلیل، انطباق، عمل، کار جامعه شناسانه میطلبد.

ملتی دردمند، اسیر زورمندان استفاده جو و در غم نشسته افغان، پس از ۳۶ سال ایثار و قربانی؛ بازهم بدون هدف و نقشه راه، دنبال حوادث عمداً خلق ساخته شده جعلکاران تاریخ، سرگردان اند. تحمیل و تلاش تطبیق سه تیوری کاملاً متضاد در ۳۶ سال گذشته به دستور و حمایت بیگانه ها توسط عده ای از سیاسیون افغان و مدعیان کاذب خدمتگزار!؟ با پیش کشیدن شعار های دور از واقعیت و غیر عملی (اعمار جامعه بدون طبقه، در حمایت پیمان نظامی وارسا، استقرار نظام شریعت اسلامی با سوء استفاده از خون ملت مجاهد و مسلمان افغان در حمایت رقبای اتحاد شوروی، و نظام به اصطلاح دیموکراتیک غربی به زور بی ۵۲ و حمایت پیمان نظامی ناتو)؛ ملت ما را متفرق و به گروگان گرفت. بناءً جای تعمق است که چرا هیچ یک از این تحولات خونبار، با وجود همه ساز و برگ نظامی و امکانات باد آورده از خارج کشور، مثمر واقع نشد.

جوانان عزیز: - نویسنده این سطور (قربانی نسل سوخته) که نو بالغی بیش نبودم و با هیچ رژیمی کار نکردم، چشم دید بیطرفانه بدون حُب و بُغض خود را در کنار صد ها وطن دوست دیگر بیان می دارم، که: بر علاوه عوامل بیرونی از جمله جنگ سرد؛ یکی از دلایلی عمده سیاه روزی ملت افغانستان؛ سوء استفاده رهبران سیاسی، از اعتماد و عدم پختگی دنباله روان خویش و نسل جوان کشور می باشد. رهبران امتیاز بگیر چپ و راست هیچ دلیلی موجه؛ متکی بر ادعای بلند و بالای ایدیالوژی های وارده و خطوط فکری شان که در فوق ذکر شد؛ منطقی به ایجاد احزاب، سازمانها، گروه های متعدد همگون و هم سان، انشعابات پیهم و پیوسته را جز برای اخذ امتیازات از بیگانه نداشتند و ندارند؛ فقط خود خواهی و خود محوری شان بوده؛ آنهم در تئانی و هدایت همسایه های طماع، یا سفارتخانه و مؤسسات خارجی!

از مدعیان دیگر اندیشان شکوه و گلایه نداریم! ولی نزد هر هموطن مؤمن و مسلمان که باور راسخ به خداوند (ج) به قرآنکریم و حضرت پیامبر محمد (ص) داریم، نزد هر یک از هموطنان ما حق این سؤال محفوظ است که چه نیازی به این تعداد احزاب، گروه ها و سازمان های اسلامی بوده و هست؟ مگر تفرقه شیعه و سنی کافی نبود؟ تا چه زمانی استعمار را مورد نکوهش قرار دارد؟ وقتی دالر، قدرت و حمایت غربی هست، هیچ مشکلی وجود ندارد؛ به مجردی کم مهری ولینعمت و نرسیدن وزارت خانه ها و . . . پس از ۱۳ سال حاکمیت فرعون و جنگیدن برای حفظ قدرت؛ در کنار قوای ناتو؛ چگونه دوباره از نام مقدس جهاد سوء استفاده می نمایند؟ غافل از این که اکثریت ملت خود مجاهد یا وارث مجاهدین اند و با مجاهدین حقیقی مشکلی ندارند؛ مشکل با استفاده جویانی است که به نام خدا هر ناروای را که خواستند انجام دادند. ناگفته نباید گذاشت که مجاهد و خانواده های مجاهدین چه در داخل و چه در خارج در انزو و پی دریافت لقمه نانی حلال درگیر مشقات زندگی اند.

اما دور از انصاف و غیر واقعبینانه خواهد بود که در بست همه شخصیت ها و سیاسیون ۳۶ ساله کشور و تحولات فاجعه بار را، مساویانه مسؤول قرار داد؛ ولی می توان مسبب اصلی این همه رویداد های نامطلوب انجام شده در حق ملت را، به بی اعتنای و ترجیح دادن منافع کوچک ایدیالوژیک حزبی، گروهی، سمتی، قومی، زبانی؛ نسبت به منافع علیای کشور دانست! این عدم پاسخ گوی در حالی جزء فرهنگ سیاسی کشور گردیده که دیگر ترسی از خدا و مأخذ دولت و قضاوت تاریخ از اعتبار، عمداً ساقط گردانیده شد.

پیامد های احتمالی نه تنها ملت را متفرق گردانیده؛ بلکه شیرازه کشور، اختیارتامیت ارضی، تسلط و اختیار برآن از طریق معامله های ننگین متعدد پنهان و نهان قدرت های جهانی، منطقه ای، همسایه ها و نیرو های جنگنده سلاح بدست به جلسه های مجهول جبل سراج، شورای جلال آباد، پشاور، اسلام آباد، تهران، عربستان، . . . الی بن آلمان و تداوم آن ظاهراً در فیصله های لویه جرگه ها، حکومت مؤقت، انتخابی؟! بار اول و دوم، انتخابات؟! به یادگارماندنی ۱۳۹۳ به توافق کشورهای حداقل (۶+۱) و تیم های تداوم و اصلاحات، از دست بیرون شد.

ایجاد حکومت دو منزله در غیاب و خارج اراده آزاد ملت و آن شعبده بازی بنام انتخابات در خارج از سرحدات کشور
با سفارت خانه های مقیم در کابل صورت پذیرفته است. مسئله تأمین صلح نیز بوضاحت نشان می دهد که بازیگران اصلی ریاض، برلین، پاکستان، ترکیه، فرانسه، امریکا، چین، قطر و . . . می باشند و حق تعیین سرنوشت ملت افغان در اختیار بیگانگان قرار داده داشته، آنها نقش محوری و تعیین کننده دارند. بناءً همچون رهبران آزمون شده، امتیاز بگیر، مجاهد نما و بیگانه از ملت را به شواهد تأریخ، هیچ زمانی مردم صلحشور و آزادنش افغان؛ نخواهند پذیرفت.

جوانان عزیز؛ شما تحصیل یافتگان روزگار دیده، شما عزیزانی که از طفولیت تا ایندم پیوسته در فضای جنگ و ریختن خون اعضای خانواده، اقارب، همسایه ها، همشهری ها و هموطنان عزیزتان، بزرگ شده اید، شما گم کردگان فضای صلح و آرامش؛ گاه درمکاتب زادگاه و گاه در مدارس کشور های همسایه و منطقه با عالمی از محرومیت ها، کمبود های آوارگی احتمالی در مهاجرت، اما مسلط بر زبان های رسمی کشور و زبان های خارجی کسب تعلیم و تحصیل نموده اید، نگذارید که ۵ سال بعد دست خالی از ناگزیری یکبار دیگر در خدمت فاسد دیگر قرار گیرید!

این وظیفه و رسالت شماست؛ مسوولانه بدون دریافت مُزد از سفارت یا مؤسسات خارجی از حال باید آگاهانه و هدفمند کار تشکیلاتی کرد. نبود یک جنبش فراگیر ملی گرا، مسلمان، متعهد به وطن، مؤمن و معتقد به باورها و عقاید مردم منور، سخت وفادار به ترقیخواهی، آزادنشی و پایند به منافع علیای کشور (جنبش افغانستان شمول) که فارغ از تعصب سمت، زبان، قوم، مذهب، نقض حقوق بشر، فساد، جاسوسی، خرابکاری، وطن فروشی، قاچاقبری و . . . مبرا باشند. مردم از فقدان همچو یک تشکل مردمی متعلق بخود شان شدیداً در آینده ای نچندان دور، بیشتر متضرر می گردند. این یک نیاز و یک ضرورت تاریخی به عهده شما می باشد؛ نگزارید که اپوزیسیون قانونمند را دولتی های امتیاز بگیر و مجاز، جهت مهار خواست های برحق اکثریت قاطع ملت، معامله گران ایجاد نمایند!

"کسی که شهادت نشان می دهد، شهادت می سازد" به این معنی که نشان دادن شهادت باعث ایجاد شجاعت در دیگران می شود.

به امید وحدت آگاهانه ای ملت نجیب افغان!

میر عنایت الله آشفته حوت ۱۳۹۳